



بهترین عبادات در شب قدر توبه از گناه است / چه کنیم دعا مستجاب شود؟

بهترین عبادت در این دوسه شب، توبه از گناه است. یک حالتی برای انسان پیدا شود که از رفتارش و از گذشته‌ها خجالت زده شود و یک حالت اجتناب از گناه برایش پیدا شود.

بهترین عبادت در این دوسه شب، توبه از گناه است. یک حالتی برای انسان پیدا شود که از رفتارش و از گذشته‌ها خجالت زده شود و یک حالت اجتناب از گناه برایش پیدا شود.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر گفتاری از آیت الله مظاهری در مورد شب قدر است که در ادامه می‌خوانید؛

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خير خلقه أشرف بريته ابوالقاسم محمد صلى الله عليه و على آله الطيبين الطاهرين و على جميع الانبياء والمرسلين سيما بقية الله فى الأرضين و لعنة الله على اعدائهم أجمعين

الان که می‌آمدم، جوانی از من یک سؤال کرد و سؤال خوبی بود. گفت: بهترین عبادات در شب قدر چیست؟ و این انصافاً سؤال خوبیست. جوابش را دادم که بهترین عبادت در این دوسه شب، توبه از گناه است. یک حالتی برای انسان پیدا شود که از رفتارش و از گذشته‌ها خجالت زده شود و آن حالت موجب شود که یک حالت پشیمانی از گناه و یک حالت اجتناب از گناه برایش پیدا شود، و اگر خدا توفیق دهد اشک گنهکار هم بعد از آن باشد و یک قطره اشک از او بچکد، ثواب این توبه را احدی نمی‌داند به جز خدا و کسانی که علمشان وابسته به علم خداست.

پروردگار عالم این توبه را خیلی دوست دارد و دوست دارد بنده‌اش بهشتی شود. در قرآن زیاد آمده که خدا دوست دارد، بنده‌اش بهشتی شود و رستگار شود و در دنیا یک زندگی خوب و در آخرت یک زندگی خوب‌تر داشته باشد. اگر کسی بخواهد چنین باشد، چه باید بکند؟ در قدم اول گذشته‌ها را صاف کند، آلودگی‌ها را رفع کند و دل مهیا برای رحمت الهی شود، و در وقتی دل مهیای رحمت خدا می‌شود که گناه در این دل نباشد و این دل آلوده نباشد.

در شب قدر چه باید بکنیم که مورد رحمت خدا واقع شویم؟! چه باید بکنیم که دعايمان مستجاب شود و جلسه هم برای خود و هم برای دیگران مهیا شود؟!

باید اول زمینه درست کرد؛ یعنی اول باید دل را پاک کرد و دل به توبه پاک می‌شود و توبه یعنی پشیمانی از کارهای زشتش. یک حالتی پیدا شود که خجالت‌زده از خدا شود. اینکه در محضر مقدس خدا از نعمت‌های خدا سوء استفاده کرده، یعنی گناه کرده و مخالفت کرده است. این حال پشیمانی و افسردگی اگر برایش پیدا شد، لازمه‌اش اینست که تصمیم می‌گیرد که گناه نکند. به این توبه می‌گویند. حال قرآن سر بگیرد و آنگاه ثوابش چندین برابر می‌شود و اگر قرآن سر نگیرد، دلش پاک شده و توبه‌اش قبول شده است. استغفار کند، ثواب دارد، حال استغفار زبانی باشد، ثواب دارد و استغفاری که دل همراه زبان باشد، ثواب بیشتر دارد، اما آنچه هست، عمل است یعنی یک دگرگونی در دل، یک خجالت زدگی در دل؛ و بالاخره در مقابل خدا شرمنده باشد. و اگر مثل شما ولایت داشته باشد که الحمدلله دارید، از امام زمان و ارواحنا فداه؛ و از همه ائمه طاهرين و سلام و الله و علیه و آله و سلم؛ و از پیغمبر اکرم و سلام و الله و علیه و آله و سلم؛ هم شرمنده شود؛ برای اینکه قرآن می‌فرماید: اعمال شما در محضر خدا و در محضر پیغمبر و در محضر ائمه و سلام و الله و علیه و آله و سلم؛ است: $\text{وَقُلْ اَعْمَلُوا فَيَسِّرَ اللَّهُ لَكُمْ رِسْوَلَهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ}$

هرکاری می‌خواهی بکن، اما توجه به این داشته باش که در محضر خدا و در محضر پیغمبر و سلام و الله و علیه و آله و سلم؛ و در محضر اهل بیت و سلام و الله و علیه و آله و سلم؛ هستی. شما این ولایت را دارید و الا اگر این عقیده را نداشته باشید، شیعه نیستید.

شیعه عقائدی دارد که اگر آن عقائد نباشد، شیعه نیست. و من جمله در همین جا. کسی پیدا شود که امام زمان را حاضر و ناظر بر کارهایش و حتی حاضر و ناظر بر دلش نبیند، شیعه نیست. شیعه آنست که عقیده داشته باشد که امام زمان تسلط وجودی بر دلش و در تسلط وجودی بر خانه و زندگی و گفتار و کردارش دارد. علاوه بر اینکه از خدا عذرخواهی می‌کند؛ از اهل بیت؛ سلام؛ الله؛ و نیز عذرخواهی کند. البته عذرخواهی زبان خوب است و اینکه انسان در شب قدر یا در شب‌های دیگر بگوید؛ استغفرالله و اتوب الیه؛ این خوب است اما آنچه کاربرد دارد، اینست که دل هم با زبان بگوید؛ استغفرالله ربی و اتوب الیه؛ آنگاه تصمیم اینکه گناه نکند، با این عمل و با این دل می‌شود. اینست که علاوه بر اینکه یک دعای مستجاب دارد و علاوه بر اینکه سبب می‌شود جلسه نورانی به نور او شود و جلسه نورانی به دل نورانی او شود، علاوه بر همه این‌ها این توبه از هر عبادتی بالاتر است.

قرآن در این باره خیلی حرف دارد. به پیغمبر اکرم؛ صلّی؛ الله؛ علیه؛ و آله؛ و سلّم؛ می‌گوید: یا رسول الله! وقتی توبه‌کننده، پیش تو می‌آید که توبه کند، سلام مرا به او برسان و به او بگو ناامید نباش. گناه هرچه بزرگ و گناه هرچه فراوان باشد، اگر این حالت برایت پیدا شود، حتماً خدا می‌آمرزد. اصلاً نمی‌شود کسی به جایی برسد که بگوید خدا مرا نمی‌آمرزد و این گناهش از هر گناهی بالاتر است.

یک قضیه نقل می‌کنند که یکی از سران هارون؛ الرشید در ماه مبارک رمضان روزه می‌خورد و رفیقش به او گفت چرا روزه می‌خوری؟ گفت من می‌دانم که خدا مرا نمی‌آمرزد. او قضیه عجیبی نقل کرد و بالاخره شصت نفر از سادات را کشته بود. گفته بود خدا مرا نمی‌آمرزد، لذا روزه بگیرم یا نگیرم، فرقی ندارد. این راوی می‌گوید: خدمت موسی بن جعفر؛ سلام؛ الله؛ و علیهما؛ آمدم و قضیه را گفتم. موسی بن جعفر خیلی ناراحت شدند؛ بعد فرمودند این حالتی که برایش پیدا شده، گناهش بالاتر از کشتن آن شصت نفر سادات است. قرآن می‌فرماید گناه یأس از رحمت خداوند در سرحد کفر است: «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»؛ مأیوس از رحمت خدا نشوید، برای اینکه اگر کسی از رحمت خدا مأیوس شود، گناهش در سرحد کفر است، لذا شب قدر، شب امید است برای همه. شب توفیق برای همه است و شما باید به این فکر باشید که خداوند توفیق عبادت و بندگی و ترک معصیت و توفیق توجه و توفیق دعا و مهم‌تر از همه توفیق توبه عنایت کند. توفیق توبه خیلی بالاست و به همه کسی نمی‌دهند. اگر کسی پیدا کرد، بداند که در گرانمایی پیدا کرده، هم برای خودش و هم برای دیگران.

قضیه حضرت موسی؛ سلام؛ الله؛ علیه؛ حضرت موسی؛ سلام؛ الله؛ علیه؛ خویشت. رفته بودند برای دعای باران و باران نیامد. خطاب شد ای موسی! یک نفر نماز و سخن‌چین در میان شماست و نمی‌گذارد دعا مستجاب شود. او را بیرون کنید تا باران بیاید و دعایتان مستجاب شود. حضرت موسی داد و فریاد کردند که بیرون برو و تو نمی‌گذاری باران بیاید. مقداری طول کشید و کسی هم بیرون نرفت، اما ناگهان باران آمد و چه باران خوبی! حضرت موسی رابطه را با خدا وصل کرد و فرمود خدایا! کسی از میان ما بیرون نرفت. خطاب شد این باران را برای همان نماز و سخن‌چین دادم، برای اینکه جداً توبه کرد و یک دگرگونی برایش پیدا شد و از گذشته پشیمان شد و از این به بعد نمازی و سخن‌چینی نمی‌کند و با من تعهد کرده و استغفرالله گفته، لذا باران را به خاطر همان توبه دادم.

این تاریخ است، اما قرآن و روایات اهل بیت همین را می‌گویند. اگر در شب قدر حالی پیدا شد و این را توجه داشته باشید که اگر این حال توبه پیدا شد، حال دعا هم پیدا می‌شود و خداوند دعاها را مستجاب می‌کند. اگر این حال توبه پیدا شود، شخصی نمی‌شود و خدا باران رحمتش را نازل می‌کند و به مجلس رحمت و عفو و گذشت می‌کند. ولو یک نفر این حال را پیدا کرده اما نور خدا در مجلس تابیده است و وقتی نور خدا تابیده است، نور خدا همه مجلس را گرفته است. شما در این شب‌ها خیلی می‌توانید به خلق خدا خدمت کنید. یعنی علاوه بر اینکه با توبه خود موجب سعادت دنیا و آخرت می‌شوید، موجب سعادت برای دیگران هم می‌شوید. موقع افطار و قبل از وارد شدن به جلسه به همین توفیق توبه فکر کنید. تقاضا دارم در وقتی که در جلسه دعا شرکت کردید، در خودتان بروید و حرف زدن و اختلاط کردن و العیاذبالله دروغ گفتن و غیبت کردن و تعریف کردن نباشد. بگو من کسی هستم که نعمت خدا را صرف در مخالفت خدا کردم.

شخصی خدمت امام سجّاد؛ سلام؛ الله؛ علیه؛ آمد و گفت یابن رسول الله! من گناه می‌کنم و نمی‌توانم ترک گناه کنم. امام سجّاد؛ سلام؛ الله؛ علیه؛ دیدند که

حرف زدن با او فایده ندارد، لذا تحریف عاطفه کردند. امام سجّاد«سلام‌الله‌علیه» فرمودند: گناه کن، اما وقتی می‌خواهی گناه کنی، یک جایی برو که خدا تو را نبیند. گفت آقا نمی‌شود.

«يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ&[۳]&[۳]»

خدا هرکجا باشد می‌بیند. امام فرمودند: در مقابل خدا مخالفت خدا کن، اما از نعمت خدا استفاده نکن. این چشم و زبان شما چقدر ارزش دارد؟! یک غربی یک کتابی نوشته به نام آئین دوست‌یابی و کتاب خویست و در این کتاب یک جمله دارد و می‌گوید ای کسی که خیلی درمانده‌ای و سرتاپا حاجت و سرتاپا بلا و گرفتاری داری، من دو چشم تو را می‌گیرم و تمام دنیا را به تو می‌دهم، آیا می‌دهی یا نه! جوابش منفی است، مگر اینکه کسی دیوانه باشد. دوباره همین آقا می‌گوید ای کسی که خیلی درمانده‌ای و خیلی گرفتاری، دو تا گوشت را می‌گیرم و تمام دنیا را به تو می‌دهم و تمام پول‌های دنیا از تو باشد، آیا می‌دهی یا نه! باز جواب منفی است. یکی یکی جلو می‌رود و می‌گوید دو تا دستت را می‌گیرم و تمام دنیا را به تو می‌دهم یا دو تا پایت را می‌گیرم و تمام دنیا را به تو می‌دهم. حال این آقا نعمت‌های ظاهری را حساب کرده و نعمت‌های باطنی بالاتر از اینهاست و قرآن می‌فرماید:

«وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً&[۴]&[۴]»

تو نعمت‌های ظاهری داری، مانند دست و پا و چشم و گوش و زبان و اما نعمت‌های باطنی هم داری، از جمله عقل.

الان شما نشسته‌اید و صحبت گوش می‌دهید و من صحبت می‌کنم، اگر خدای ناکرده عقل نداشتید، در جلسه می‌آمدید و با داد و فریاد جلسه را به هم می‌زدید، آنگاه چه می‌کردید؟! حال عقل شما چقدر ارزش دارد؟ اگر خدا تمام دنیا را به شما بدهد و عقل شما را بگیرد؛ یا به‌عنوان مثال اگر بگویند تمام جهان از شما و تمام دلارهای غرب و پول‌های شرق و زمین‌ها برای شما، اما تشیع را از تو می‌گیریم، آیا می‌دهید یا نه؟! کسی آری نمی‌گوید، مگر اینکه دیوانه باشد. این نعمت باطنی تشیع و نعمت باطنی اسلام عزیز است. ما نعمت یکی و دو تا و صد تا و هزارتا نداریم و به قول قرآن: «وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا&[۵]&[۵]»

چه کسی می‌تواند نعمت‌ها را بشمارد! شما که خیلی گرفتار و به قول خودتان بدبخت هستید، آیا می‌توانید نعمت‌های خدا را شماره کنید؟! البته نمی‌توانید.

امام سجّاد«سلام‌الله‌علیه» به این آقا گفتند گناه کن اما از نعمت‌های خدا استفاده نکن. او گفت این بدتر است و چطور می‌شود از نعمت‌های خدا استفاده نکرد، هرچه هست از اوست: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ&[۶]&[۶]&[rm]»

فرمودند گناه کن و در محضر خدا گناه کن و نعمت‌های خدا را بخور و گناه کن، اما از ملک خدا بیرون برو. مثلاً شخصی یک کسی را مهمانی کرده و خیلی به او احترام می‌گذارد و از اطاق بیرون می‌رود و ناگهان می‌بیند این مهمان از در نگاه به زنش می‌کند، چقدر منفور می‌شود؟

آن‌کس که نمک خورد و نمکدان بشکست پیش رندان حقیقت سگ به از اوست

حال ما در ملک خدا نعمت خدا را می‌خوریم و در محضر مقدس خدا گناه می‌کنیم.

امام سجّاد«سلام‌الله‌علیه» باز حرف آخر را زدند و فرمودند: گناه کن، اما وقتی عزرائیل آمد که جانت را بگیرد، نده. در وقتی که ملائکه غلاظ و شداد می‌خواهند تو را به جهنم بکشانند، نرو. او گفت نمی‌شود. آنگاه آقا امام سجّاد«سلام‌الله‌علیه» نتیجه گرفتند و فرمودند تو که اینقدر ذلیل هستی در مقابل خدا با این همه نعمتی که خدا به تو داده و در محضر مقدس خدا، چگونه گناه می‌کنی؟!&[۷]&[۷]

دستمال مبارکشان را درآورده و به پیشانی او بستند. می‌گویند در زمان یکی از سلاطین قبر را شکافتند و بدن تازه بود و طمع کرد و دستمال را از سر باز کرد و خون جاری شد و دوباره دستمال را بستند.

این ثواب توبه و مقام توبه است. اما به راستی توبه باشد، یعنی خجالت زده از گذشته و خجالت زده مثل حرّ بن یزید ریاحی باشد، که بدنش مثل بید می‌لرزید و گفت حسینم! گناه من خیلی بزرگ است و امام فرمود تو را بخشیدم. گفت! حسینم! گناه من خیلی بزرگ است و اول کسی که بدن زینب را لرزانده من بودم و من شما را محصور کردم. امام فرمودند تو را بخشیدم. گفت اگر بخشیدی، پس بروم و در راه تو شهید شوم. فرمودند برو و این برو خیلی افتخار برای حرّ است. گفت اجازه بده من از زینب عذرخواهی کنم. فرمودند تو برو و من خودم از زینب عذرخواهی می‌کنم. معنایش اینست که مردان باغیرت که می‌خواهید توبه کنید، زن‌های با عفت که می‌خواهید توبه کنید، حسین شما حاضر نشد نامحرم با زینب حرف بزند.

[۱][۱]. التوبه، ۱۰۵: «و بگو: [هر کاری می‌خواهید] بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست.»

[۲][۲]. یوسف، ۸۷: «و از رحمت خدا نومید مباشید، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود.»

[۳][۳]. غافر، ۱۹: «[خدا] نگاه‌های دزدانه و آنچه را که دل‌ها نهان می‌دارند، می‌داند.»

[۴][۴]. لقمان، ۲۰: «و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است.»

[۵][۵]. ابراهیم، ۳۴: «و اگر نعمت خدا را شماره کنید، نمی‌توانید آن را به شمار درآورد.»

[۶][۶]. آل عمران، ۲۶: «و بگو: بار خدایا، تویی که فرمانفرمایی؛ هر آن کس را که خواهی.»

[۷][۷]. رک: جامع الاخبار، ص ۱۳۰.

[۸][۸]. ابراهیم، ۳۴: «و اگر نعمت خدا را شماره کنید، نمی‌توانید آن را به شمار درآورد.»

[۹][۹]. شرح المنظومة، ص ۳۵۵.

[۱۰][۱۰]. الفجر، ۲۷ تا ۳۰: «ای نفس مطمئنّه، خشنود و خدایسند به سوی پروردگارت بازگرد، و در میان بندگان من درآی، و در بهشت من داخل شو.»

[۱۱][۱۱]. رک: الارشاد، ج ۲، ص ۹۱.